



www.zabanebartar.com

کلمات مشابه در زبان انگلیسی - قسمت اول

کلمات مشابه زبان انگلیسی به سه دسته تقسیم می شوند.

Homophones: Two (or more) words that sound the same, but have different spellings

دو یا چند کلمه که تلفظ یکسان ولی املا متفاوتی دارند.

Homonyms: Two (or more) words that are spelled the same & sound the same, but have different meanings.

دو یا چند کلمه که املا و تلفظ یکسانی دارند و تلفظ آن ها نیز مشابه است ولی معانی آن ها متفاوت است.

Heterophones: Two (or more) words with the same spelling, but different sounds and different meanings.

دو یا چند کلمه که املا مشابهی دارند اما دارای تلفظ و معانی متفاوتی هستند.

<u>homophones</u>					
Be بودن	I always wanted to be a doctor. من همیشه میخوامستم دکتر شوم.	Bee زنبور	Honey is the product of bees. عسل محصول زنبورهاست.		
Bear خرس	I saw a very big bear in the zoo. یک خرس بسیار بزرگ در باغ وحش دیدم.	Bare لخت	The walls of his apartment were bare دیوارهای آپارتمانش لخت بودند.		
Bow خمیده شدن	The snow's weight bowed the tree. وزن برف درخت را خمیده کرد.	Bough شاخه	There's a swing hanging from the bough of the tree. یک تاب از شاخه ی درخت آویزان است.		



By به وسیله	I go to work by taxi. من به وسیله ی تاکسی سر کار میروم.	Bye خداحافظ	Bye. Have a nice day. خداحافظ. روز خوبی داشته باشی.	Buy خریدن	I have to buy a new car. من باید یک ماشین جدید بخرم.
Clause ماده، بند	The lawyer explained the clauses in the contract that were unclear to us. وکیل عباراتی که در قرارداد برای ما واضح نبود را توضیح داد.	Claws پنجه، چنگال	The cat showed its claws. گربه پنجه هایش را نشان داد.		
Die مردن	He died in bed. او بر اثر بیماری فوت کرد.	Dye رنگ کردن	I want to dye my hair black. میخواهم موهایم را مشکی (رنگ) کنم.		
Fair بور	She has long fair hair. او موی بلند و بور دارد.	Fare کرایه	Does your mother give you money for your bus fare? آیا مادرت برای کرایه اتوبوس به تو پول می دهد؟		
Finish تمام شدن، تمام کردن	I just finished my homework. من تازه تکالیفم را تمام کردم.	Finnish زبان فنلاندی	He speaks Finnish fluently. او زبان فنلاندی را روان صحبت می کند.		
Flee کک	Flea is a very small disgusting insect. کک یک حشره بسیار ریز و چندانس آور است.	Flee گریختن، فرار کردن	The police told the burglar not to flee. پلیس به دزد دستور داد که فرار نکند.		



For برای	I have a gift for you. من برای تو هدیه ای دارم.	Four چهار	The have four children. آن ها چهار بچه دارند.	Fore پیش، جلو	Fore the baby's arrival, their life was so boring. پیش از آمدن بچه زندگی آن ها بسیار کسل کننده بود.
Gate در، دروازه	The garden's gate was very big. در باغ بسیار بزرگ بود.	Gait گام	His gait is slow and he tires easily. گام های او آهسته است و به راحتی خسته می شود.		
Grate رنده، رنده کردن	It's hard to grate onion without crying. پیاز رنده کردن بدون گریه کار سختی است.	Great عالی	I have great news. We are getting married soon. خبر عالی ای دارم. ما به زودی ازدواج می کنیم.		
Hair مو	Her hair is long and straight. موهایش بلند و لخت است.	Hare خرگوش صحرائی	The hare leapt off into the woods. خرگوش صحرائی به سمت جنگل جهید.		
Hi سلام	Say hi to your daddy. به بابات سلام کن.	High بلند	Everest is a very high mountain. اورست کوه بسیار بلندی است.		
Knight سلحشور، دلاور	I love the stories about old knights. من قصه هایی که در مورد دلاوران قدیمی است را دوست دارم.	Night شب	I sleep really early every night. من هر شب خیلی زود می خوابم.		
Knot گره، گره زدن	Let me knot your tie. بگذارم گره زدن کراواتت را.	Not	I'm not a student. من دانشجو نیستم.		



	بذار کراواتت رو گره بزنم.	حرف منفی کننده			
Know دانستن، شناختن	I know him very well. من او را خیلی خوب میشناسم.	No خیر، نه	No, you can't go to the park. نه، نمیتونی بری پارک		
Morning صبح	I get up at 08:00 every morning. من هر روز ساعت 8 از خواب بیدار میشم.	Mourning عزاداری	Stop mourning please. Accept the fact that he is gone. لطفا دست از سوگواری بردار. این حقیقت که او رفته است را قبول کن.		
Pain درد	After falling down she felt a hard pain in her leg. پس از افتادن درد سختی در پایش حس کرد.	Pain شیشه	The missing pane has been replaced. شیشه گم شده جایگزین شده است.		
Pair جفت	I bought a pair of new shoes. من یک جفت کفش نو خریدم.	Pear گلابی	I love pear. من عاشق گلابی ام.		
Plane هواپیما	I prefer plane than train. من هواپیما را به قطار ترجیح می دهم.	Plain صاف	The plain street helped drivers to drive better. سطح صاف خیابان به رانندگان کمک کرد تا بهتر رانندگی کنند.		
Rain	Rain made the weather so fresh.	Reign	The king reigned for 30 years.		



www.zabanebartar.com

باران	باران هوا را بسیار تازه کرد.	حکومت	پادشاه برای 30 سال حکومت کرد.		
Red قرمز	That is a beautiful red car. آن یک ماشین قرمز زیباست.	Read (past tense) خواند	She read the magazine and went to bed. او مجله را خواند و به تختخواب رفت.		
Read (present tense) خواندن	To increase your knowledge you have to read a lot. برای افزایش دانش باید زیاد مطالعه کنید.	Reed نی	Please use the reed to drink your coke. لطفا برای نوشیدن نوشابه ات از نی استفاده کن.		
See دیدن	Did you see that boy? He is my brother. اون پسره رو دیدی؟ اون داداشمه.	Sea دریا	You have to watch sunset by the sea. باید غروب آفتاب را کنار دریا ببینی.		
Sight دید، منظر	Get out of my sight. I'm mad at you. از تو دیدم برو بیرون. ازت عصبانیم.	Site سایت	They opened a new site for their carrier. آن ها برای کارشان یک سایت جدید ساختند.		
Stair پله	There are a lot of stairs in this building. تعدادی زیادی پله در این ساختمان وجود دارد.	Stare زل زدن	He was staring at me for a long time. او برای مدتی طولانی به من زل زده بود.		
Tear اشک	She shed some tears to get calm.	Tare وزن خالص	The baby's tare weight is 10 kilograms.		



	او برای اینکه آرام شود کمی اشک ریخت.		وزن خالص بچه 10 کیلو گرم است.		
Their مال آنها	Their mom is a nice woman. مادر آن ها زن بسیار خوبی است.	They're آن ها هستند	They're very beautiful. آن ها بسیار زیبا هستند.		
Toe انگشت پا	I banged my toe to the table. من انگشت پایم را به میز کوبیدم.	Tow طناب، زنجیر	We used a tow to pull the car. ما برای کشیدن ماشین از طناب استفاده کردیم.		
Wait صبر کردن ، منتظر ماندن	Don't wait for me. منتظر من نمانید.	Weight وزن	How much does the sack weight? وزن کیسه چقدر است؟		
Waste تلف کردن	Don't waste more time and start working. وقت بیشتری تلف نکن و شروع به کار کن.	Waist دور کمر	What's your waist? دور کمر شما چقدر است؟		
Wear پوشیدن	She always wears beautiful clothes. او همیشه لباس های زیبایی می پوشد.	Where کجا	Where are you from? اهل کجایی؟		
Weather آب و هوا	What's the weather like today? امروز هوا چطور است؟	Whether آیا	I don't know whether she likes me or not. من نمیدانم که آیا او مرا دوست دارد یا نه.		
Witch جادوگر	She is a famous witch.	Which کدام	Which color do you like? Red or blue?		



www.zabanebartar.com

	او یک جادوگر معروف است.		کدام رنگ را دوست داری؟ قرمز یا آبی؟		
--	----------------------------	--	--	--	--

در مطلب بعدی به توضیح دو دسته ی دیگر کلمات مشابه می پردازیم.

www.zabanebartar.com